■ سال بیست و نهم ■ شماره ۸۱۱۷ ■ دوشنبه ■ ۱۰ بهمن ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۸ | اذان مغرب ۱۷/۴۹ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۴ | اذان صبح فردا ۵/۳۹ | طلوع آفتاب فردا ۷/۰۵

سخن روز

حضرت محمد(ص):
نخستین چیزی که روز قیامت در ترازوی اعمال بنده گذاشته می‌شود، اخلاق خوب اوست.
قرب الإسناد، ص۴۶، ح۱۴۹

تعطیلی کنسرت‌ها به ضرر هنرمندان است و بس

علی رهبری: روی صحنه نرفتن هنرمندان موسیقی آن هم در مملکتی که موسیقی همیشه با دشواری همراه بوده، خیلی‌ها آرزو داشته‌اند موسیقی نباشد و استادان بزرگی مانند روح‌الله خالقی و حسین دهلوی برای ماندن موسیقی تلاش و مبارزه کرده‌اند، چه تأثیری داشته است که هنرمندان در اعتراض به اتفاقاتی که افتاده خودشان موسیقی را تحریم کرده‌اند؟ این امر چه تغییری را باعث می‌شود؟ اگر تالار وحدت را ببندند یا ارکستر سمفونیک را منحل کنند چه خواهد شد؟ آیا مردم بابت منحل شدن ارکستر سمفونیک اعتراض خواهند کرد؟ نه! اتفاقاً کسی متوجه نخواهد شد. نرفتن روی صحنه به جز اینکه ممکن است فقط به خود موسیقیدان لطمه بزند، برای مردم تفاوت چندانی ندارد؛ بخصوص مردمی که اصلاً موسیقیدان‌ها را خیلی جدی نمی‌گیرند و بسیاری از آنها ما را مطرب می‌دانند. وقتی هنرمندان سرشناس صحنه را ترک می‌کنند، خطری که حوزه موسیقی را تهدید می‌کند این است که شاید هنرمندان در سطح پایین‌تر جای آنها را بگیرند.

از صحبت‌های این موسیقیدان و رهبر ارکستر با ایسنا

گاهی اوقات پنهانی به بیمارانی که موقعیت خطیری را در زندگی تجربه می‌کنند حسادت می‌کنم، کسانی که این شهامت را دارند تا زندگی را از اساس متحول سازند، کسانی که دست به کار می‌شوند، کارشان را رها می‌کنند، حرفه‌شان را تغییر می‌دهند و... خلاصه همه چیز را از اول شروع می‌کنند. نگرانم، نکند که خودم تماشاگر باقی بمانم.

مامان و معنی زندگی/ اروین یالوم

نکاتی درباره برگزاری جشنواره تئاتر فجر

پنجره‌ای روبه دیوار

رضا آشفته
منتقد تئاتر

جشنواره تئاتر فجر طی ۴۱ سال اخیر به طور گسترده و فراگیر تنوع سوژه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... را مد نظر داشته و به آنها پرداخته اما در جشنواره چهل و یکم بیشترین نگاه معطوف به موضوعات دینی و دفاع مقدس شده است. با اینکه این موضوعات مورد توجه تماشاگران هستند اما ضروری است که متولیان دو مسأله را مدنظر داشته باشند؛ یکی آنکه مسأله مخاطبان تنها به این دو مورد محدود نمی‌شود. انسان هر روزه با مجموعه‌ای از مسائل و مشکلات در زندگی‌اش روبه‌رو می‌شود و پرداختن به آنها در صحنه تئاتر یک ضرورت است و نادیده گرفتن‌شان هم تماشاگر را ناراحت می‌کند. چراکه اگر تئاتر آیینه زندگی اجتماعی و حتی چه بسا طبیعت است، پس انسان به عنوان جزئی از آن انتظار دارد که خود را با تمام کاستی‌ها در این آیینه ببیند.

برای نمونه ترافیک، آلودگی هوا، مشکلات معیشتی، طلاق و... از جمله مواردی هستند که مطرح کردن آنها در تئاتر اهمیت دارد و در نتیجه دارای بازخوردهای اجتماعی است. از سویی انکار آن نیز چشم بستن بر بخش‌هایی از زندگی بشر امروز محسوب می‌شود. دوم آنکه، موضوعاتی که امسال بیش از پیش مورد توجه برگزارکنندگان جشنواره بوده‌اند به لحاظ ساختاری و شکل و شمایل آن‌طور که باید و شاید رضایت تماشاگران را جلب نمی‌کند و این مسأله اتفاقاً نقطه ضعفی برای نمایش‌های دینی و حوزه مقاومت به شمار می‌آید. کار در حیطه چنین موضوعاتی نیازمند شناخت و آگاهی و اشراف کارگردان بر شگردها و شیوه‌های نمایشی است تا از این طریق بتواند در بهترین حالت ممکن نمایش خود را در معرض دید تماشاگران بگذارد و اگر درخصوص این دو مورد هنرمندی کم و کسر داشته باشد نتیجه ساخته‌اش چندان مطلوب نخواهد شد. باید فراتر از جشنواره، نسبت به موضوعات اینچنینی حساسیت به خرج داد و تعهدی دوسویه هم به موضوع و هم نسبت به مخاطبان داشته باشد. در همین رابطه، کارهای بخشی از برگزیدگان جشنواره تئاتر صاحبدلان هر شب در تالار حافظ به روی صحنه می‌رود که این نمونه‌ها در اکثر مواقع همخوان با ارزش‌های فرهنگی یک جشنواره بین‌المللی و در حد و اندازه جشنواره تئاتر فجر نیست. شاید برخی بگویند که این بخش جنبی است. اما هر نمایش حاضر در جشنواره باید از سطح قابل پذیرشی برخوردار باشد و در هماهنگی با دیگر نمایش‌ها بر قابلیت‌های جشنواره بیفزاید. به هر تقدیر هنرمندی که قرار است در کارنامه‌اش حضور در جشنواره تئاتر فجر به عنوان ویترین سالانه تئاتر ایران ثبت شود باید بتواند رضایت مخاطب را در قیاس با دیگر آثار این رویداد هنری- رقابتی جلب کند. از سوی دیگر بین‌المللی خطاب کردن جشنواره تئاتر فجر بر حساسیت این گزینش‌ها می‌افزاید که چشم‌پوشی از آن اشتباهی غیر قابل پذیرش است. طی سال‌های برگزاری یک جشنواره، رو در رو شدن با آثار هنری ارزشمند بر این اعتبار می‌افزاید و سختگیری مدیران و سختکوشی هنرمندان یک راه اساسی و مطلوب برای چنین گزینش‌هایی است. جشنواره تئاتر فجر جایگاه ویژه‌ای دارد و پرداختن به موضوعات متنوع و پرهیز از موضوع محوری، بنا بر ضرورت‌های جامع یک اصل و اساس است که باید بیش از پیش مورد توجه برگزارکنندگان رویدادهای اینچنینی قرار بگیرد.

نغمه‌هایی از جنس شمس و باخ

پیشنهاد

رضا مهدوی
مدرس دانشگاه و نوازنده سنتور

داوود آزاد از آن دسته موسیقیدانان نادر ایران است که با نگاهی آزاد به مقوله موسیقی، فرهنگ شنیداری چندملیتی یا چند فرهنگی را پیگیری می‌کند. افق دید یا دورنمای چنین موسیقی که تلفیقی یا فیوژن می‌نامندش، سابقه‌ها دارد و چیز تازه‌ای هم نیست، اما پرداختن به آن از عهده هر هنرمندی برنمی‌آید و آگاهی و دانش کافی از فرهنگ و تاریخ موسیقی‌های ملل را می‌طلبد تا پشتوانه‌ای ایجاد کند برای دفاع هر چه بهتر از خروجی ضبط موردنظر در قالب یک آلبوم، برای شنوندگانی که می‌خواهند در حین شنیدن تمام مجموعه، به جان کلام برسند.

داوود آزاد تمام سعی خود را دارد که با اشعار مولانا، با موسیقی باخ آلمانی آن‌هم بدون تغییر در قطعات، بداهه‌وار موسیقی و خوانندگی‌ای ارائه دهد که ضمن رعایت چفت و بست‌های فن موسیقا که تمام و کمال نیز با برتری صداده‌ی موسیقی ایرانی است، شنونده اهل دل بتواند با گوشِ هوش جان بشنود. پدیدآورنده این اثر رهایی و آزادی موسیقی ایرانی، در کنار نظم و انضباط، موسیقی کلاسیک دوره باخ را با وجود تضاد ظاهری، یک وحدت‌رویه باطنی می‌داند که نشانگر یک ریشه واحد بودن است. در شیار اول قطعه «من آن ماهم» آغازگری دارد با قطعه موسیقی‌ای با ساز رَباب که داوود آزاد از مایه اصفهان به پرلود می مینورِ موسیقی فرنگی یوهان سباستین باخ وارد می‌شود. نغمه‌های نرم و گرمی که با همخوانی و صدای دلنشین داوود آزاد، هم‌آمیزی نوینی در موسیقی ایران رقم می‌زند.

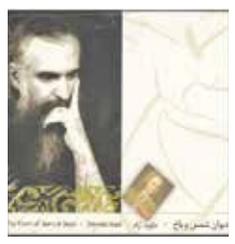

قطعه دوم «خانه پُرنور» نیز با ساز رَباب شروع و سپس ریتمیک‌وار با ساز کوبه‌ای، طبلای هندی و آوازخوانی، تلفیقی با پرلود سی دیز ماژور به همراهی سازهای قره‌نی و دودوک سرزمین آذربایجان ایجاد می‌شود.

موسیقی سوم «من مست و تو دیوانه» با ساز قره‌نی، از نغمه‌ای از مقامات آذری، با موسیقی باخ در توکاتا سُل ماژور جلوه‌داری می‌کند و در ادامه ویولنسل و پیانو آماده می‌شوند برای صدای پُرجنب‌وجوش خواننده با درهم‌آمیزی موسیقی‌ای متفاوت که گویی تمامی این الحان‌سازی و آوازی از یک سرزمین هستند! در این قطعه بَربَط‌نوازی داوود آزاد در کنار تحریر آواز نیز جلوه‌گری می‌کند.

شیار چهارم «از تو کجا گریزم» بازهم رَباب‌نوازی از درآمد و تلفیق با گولدبرگ شماره ۲۱ باخ، به صورت شاعرانه، ویولنسل و پیانو، حرکت ملودیک آوازی را به خوبی به سرمنزل مقصود رهنمون می‌کند و در انتها ساز دودوک هم به مجموعه می‌پیوندد که همانا دگرگونه شنیدن را در فضای آرامبخش از چنین موسیقی‌هایی انتظار داریم.

موسیقی پنجم آلبوم «تیزدَوَم» نیز در مایه درآمد ماهور تصدیق می‌شود با فرنچ سوئیت که قطعه‌ای شاد و پرتحرک است و پیانو، طبلا و قره‌نی، نغمه‌های ضرباهنگ‌آلود آوازخوانی داوود آزاد را همراهی دارند که خوب از عهده تحریرهای موسیقی ایرانی با تلفیق چنین موسیقی فرنگی برآمده و روند سلیس و روان شنیدن را افزون می‌کند برای آنانی که قبل از شنیدن چنین مجموعه‌ای فکر می‌کردند موسیقی کلاسیک غرب را به راحتی نمی‌توان هضم کرد و به مدد نگاه تیزبینانه داوود آزاد، موسیقی فیوژن یا تلفیقی شاید برای نخستین مرتبه درموسیقی بعد از انقلاب جلوه‌گر و سرمشق شد برای آیندگانی که می‌خواهند این مسیر را راحت‌تر سپری کنند.

قطعه «در این عشق بمیرید» مقدمه‌ای با ساز بَربَط شنیده می‌شود و شعر معروف حضرت مولانا با تلفیق برای سوئیت پرلود انگلیسی و زمینه‌ساز هیجان در ارکستر در همنشینی با محتوای کلام قرار می‌گیرد که در نوع خود شنیدنی و حظ بردنی است.

قطعه آخر «مبارک باد» سرخوشانه است که با مقدمه قره‌نی به پیشواز سوئیت انگلیسی همسان‌سازی شده و تمامی سازهای شرکت‌کننده این قطعه که نشاط و مبارکی و تولدی دوباره را این‌بار از سرزمین ایران، بلغارستان، آلمان، هند، آذربایجان و بریتانیا به گوش‌های جان هدیه داده‌اند.

ملیتا کالین (پیانو)، اوتا ایشلیشتیک (ویولنسل)، الخان صمدزاده (قره‌نی و دودوک)، سوریش کومار (طبلا) و آن ماری تری (همخوان)، هنرمندانی هستند که اشعار مولانا جلال‌الدین بلخی ایرانی و قطعات پیانویی یوهان سباستین باخ و تنظیم و بداهه‌خوانی داوود آزاد را در استودیو جاکوبس لندن به خوبی فهم مشترک یافته‌اند و از ایده‌پردازی داوود آزاد، پیروزمندانه برآمده‌اند.

دیوان شمس و باخ
تنظیم و بداهه‌خوانی: داوود آزاد
ناشر: مرکز موسیقی حوزه هنری
سال: ۱۳۸۲

بندبازی روی مرز تخیل و واقعیت

یادداشت

محمد احسان مفیدی‌کیا
منتقد سینما

اگر مهم‌ترین فاکتور در پرورش هنرمند شهیر آلمانی، یعنی ورنر هرتزوگ را، نوع زیست او بویژه در کودکی‌اش بدانیم، بیراهه نرفته‌ایم. هرتزوگ خودش در مصاحبه‌ای می‌گوید: «من تا یازده سالگی نمی‌دانستم که سینمایی هم وجود دارد، تا اینکه یک بار یک آپاراتچی به مدرسه ما آمد و من اولین فیلمم را دیدم» و از همین نقطه است که جادوی سینما او را مسحور خود می‌کند ولی باز این باعث نمی‌شود که او «من» دغدغه‌مندش را از یاد ببرد و مثلاً فراموش کند که در ۱۴ سالگی پای پیاده ۲۰۰۰ کیلومتر را برای مهاجرت به آلبانی طی کرده و اصلاً همین مسیر بوده که قصد او برای استفاده از ابزار سینما در جهت بیان مسائلش را شکل داده است. مرزها برای عبورند و قانون‌ها برای شکستن. این یکی از رموز جاودانگی شخصیت و آثار فیلمسازی است که آشکارا، زندگی و سینمایش را درهم آمیخته است. برای او فیلم ساختن عین زندگی است و از زندگی خاص و عجیب خود به مدیوم سینما برای بیان عقاید و افکارش رسیده است. منِ مخاطب هرتزوگ، چه راش‌های تدوین شده تیموتی را در «مرد گریزلیِ (Grizzly Man) ۲۰۰۵»، ببینم یا مصاحبه با متهم در معرض حکم اعدام در مستند «درون ورطه (Into the Abyss) ۲۰۱۱»، از پس لایه‌های ظاهری اثر به شخصیت ساده، گویا و ژرف‌نگر هرتزوگ می‌رسم که بارزترین ویژگی‌های آن خوب دیدن، خوب شنیدن، خوب فهمیدن و در نتیجه خوب فیلم ساختن است.

برای هرتزوگ فیلم ساختن غایت نیست، ابزار است. او می‌خواهد حرفش را بزند و اندیشه‌اش را در معرض درک عموم مخاطبان قرار دهد، از این رو است که ابایی از آزمودن انواع شیوه‌ها در فیلمسازی ندارد و هرچه در توانش باشد انجام می‌دهد تا ایده مرکزی خود را بپروراند و دلمشغولی‌هایش را در قاب سینما بریزد.

هرتزوگ مرز خاصی بین فیلم داستانی و مستند قائل نیست، او در فیلم‌های مستندش از نابازیگر استفاده می‌کند و فیلم‌های داستانی را چنان می‌سازد که گاهی در مستند بودنشان به شک می‌افتیم. البته این نوع نگاهی است که برای مخاطب حرفه‌ای سینمای ایران در آرا و آثار عباس کیارستمی نیز قابل شناخت است، چنانکه هرتزوگ هم در مصاحبه خود با ادگار رایتز در ۱۹۹۵ زبان به ستایش آثار کیارستمی، یعنی «خانه دوست کجاست» و «کلوزآپ» باز می‌کند و در نهایت می‌گوید: «من بندرت چیزی به این اندازه زیبا، تکان دهنده و شاعرانه دیده‌ام.»

همین نوع نگاه و درهم شکستن مرزها و پرهیز از استفاده از شیوه‌های کلیشه‌ای است که از ورنر هرتزوگ یک هنرمند خاص می‌سازد. گاهی این جمله که استفاده از مصاحبه یا گفتار متن کلیشه شده، چنان زیاد تکرار می‌شود که خود به‌صورت مضاعف تبدیل به کلیشه می‌شود و مستندسازانی بدون آنکه دلیلش را بدانند از استفاده از این دو عنصر کلیدی در فیلم‌هایشان طفره می‌روند ولی هرتزوگ بر همین کلیشه هم می‌شورد و جسورانه فیلم‌هایی با حجم بالایی از مصاحبه یا گفتار متن می‌سازد.

در آخر باید به عنصر تخیل در آثار ورنر هرتزوگ اشاره کرد، تخیلی که در تمامی آثار او، مستند یا داستانی، جایگاهی کلیدی دارد. او با نزدیک کردن دنیای تخیلی خود به ساحت واقعیت، مرزهای این دو را چنان به هم نزدیک می‌کند که دیگر براحتی قابل تفکیک و تشخیص از هم نیستند و همین جسارت است که بن‌مایه خلاقیت در آثار مثال‌زدنی او می‌شود.

عکس نوشت

پایتخت با اجرای پویش «پرچم افتخار» اکران‌های فرهنگی ویژه و نصب نمادهای یادآور ایام انقلاب اسلامی به استقبال چهل و چهارمین بهار انقلاب رفت. در این پویش فرهنگی، چهل و چهار سال همراهی و در کنارهم بودن ملت شریفمان از جمله دفاع مقدس، آزادی خرمشهر، کشف واکسن کرونا، پیشرفت‌های دانش هسته‌ای، رحلت امام (ره) و... به تصویر کشیده می‌شود.

ترجمه آثار ادبیات پایداری؛ ضرورت‌ها و ملاحظات

یادداشت

پونه فضائلی
منتقد ادبی

جهان امروز جهان روایت است و آن کس که نتواند روایت خود را تعریف کند، مجال و میدان را باز گذاشته است تا دیگران نه‌تنها روایت خود، بلکه روایت او را نیز تعریف کنند. بدیهی است ترجمه آثار مکتوب یکی از راه‌های انتقال معانی و مفاهیم به جوامع و مردمان دیگر است. توجه به این نکته اهمیت ترجمه آثار فارسی را در تمام گونه‌های روایی، خصوصاً ادبیات پایداری روشن می‌سازد.

نگاهی به تاریخ نشان می‌دهد که تولیدات ادبی مربوط به جنگ تنها کمی پس از شروع آن شکل گرفتند. ابتدا این شاعران بودند که با سرودن شعر، موضوع جنگ و دفاع از میهن را به آثارشان دعوت کردند. داستان‌نویس‌ها کمی بعدتر وارد این میدان شدند. از میان نویسندگان پیشکسوت احمد محمود با داستان زمین سوخته و اسماعیل فصیح با زمستان ۶۲ در این عرصه پیش‌قدم بودند؛ اما از همان ابتدا، داستان‌نویس‌های جوانی هم که بعضاً خود از رزمندگان بودند، دست به قلم بردند. نتیجه تلاش آنها آثاری به‌لحاظ کیفی کم‌جان، ولی از نظر کمّی متعدد بود.

با پایان جنگ، آثار تولیدی سمت‌وسوی تازه‌ای یافت. در حوزه ادبیات داستانی، نوشتن رمان و خاطره‌نگاری نسبت به داستان کوتاه فراوانی بیشتر و کیفیت بهتری پیدا کرد. همچنین، آثار پژوهشی و تحقیقی نیز کم‌کم وارد عرصه شدند؛ اما سال‌ها بعد از جنگ بود که کم‌کم ضرورت ترجمه آثار این حوزه موضوعیت یافت.

آسیب‌هایی که به‌واسطه جنگ‌ها و درگیری‌ها به انسان و محل زندگی او وارد می‌شود، در تمامی جهان و در طول تاریخ مشابه بوده است. به همین دلیل، آثاری که درباره جنگ نوشته می‌شوند، اشتراکاتی با هم دارند. در همه آنها از کشتن و کشته‌شدن، مجروحیت، اسارت و ویرانی‌ها و تبعات روانی و اقتصادی و اجتماعیِ جنگ صحبت می‌شود. در واقع، ما در این حیطه عموماً با روایت‌هایی مشابه با هم، ولی در بسترهای متفاوت فرهنگی مواجه هستیم. به‌دلیل وجود همین مفاهیم آشنا و مشترک است که همواره در سراسر دنیا، خوانندگان از ترجمه آثاری که در این زمینه نگاشته می‌شوند، استقبال می‌کنند؛ ازاین‌رو، انتقال تجربیات و مفاهیم فرهنگی مستتر در کنش‌های انسانی، ضرورت ترجمه ادبیات پایداری را روشن می‌کند.

در این میان، به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل در انتخاب اثر برای ترجمه، یافتن مواردی است که از یک سو، در آن اشتراکات جهانی وجود داشته باشد و همدلی و همذات‌پنداری مخاطب را در هر کجای جهان برانگیزد. از سوی دیگر، جنبه‌های منحصربه‌فردی در دوران جنگ ما وجود دارد که می‌تواند آن را از نمونه‌های مشابه متمایز و برای مخاطب جذاب کند. شاید مهم‌ترین تمایز جنگ در آثار ما و دیگر انواع مشابه، نوع جنگیدن و نیز دلایل جنگیدن باشد.

هر دوی این عوامل در کنار درنظرگرفتن انسان‌هایی که به این دو موضوع عینیت بخشیده‌اند، آثار ایرانی را منحصربه‌فرد می‌کند. ادبیات پایداری ایرانی مدعی است که در جنگ و دفاع همواره تابع قوانین و حد و حدود خود بوده است؛ حدودی که برگرفته از عناصر فرهنگی و اعتقادی رزمندگان بوده و مناسبات جنگی را تغییر داده است.

از سوی دیگر، آنجا که به دلایل نبرد پرداخته است، علاوه بر دفاع از مرزهای کشور، برخی عقاید دینی و مذهبی از جمله دفاع از حق و حقیقت اسلام ناب و مبارزه با استکبار جهانی و ریشه‌کنی ظلم و فساد را در خود متجلی نموده است؛ اما از طرف دیگر، تمرکز بیش از حد بر کتاب‌هایی که بر ایدئولوژیک‌بودن آرمان‌های دفاعی تأکید می‌کنند، در جذب مخاطب جهانی ناتوان خواهد بود؛ زیرا پذیرش این نوع نگاه نیازمند وجود زمینه‌ای فکری و نوعی مبانی عقیدتی است که درکش برای خوانندگان در آن سوی مرزهای کشورمان، اگر نگوییم ناممکن، لااقل دشوار است.

در این خصوص، سؤال دیگری که مطرح می‌شود، این است که آیا روح حاکم بر اغلب این آثار را می‌شود ترجمه کرد یا نه؟ انتقال مفاهیمی که در لایه‌های زیرینش دارای عمق و معانی متعددی هستند و انتقال درون‌مایه ایثار و شهادت، از دیگر نکاتی است که باید در ترجمه مد نظر قرار گیرد.

در واقع، جنگیدن با دشمنی که به سرزمین ما تجاوز کرده است، می‌تواند موضوعی مشترک باشد؛ اما آثار ما اگر مدعی نوع متفاوتی از جنگ هستند، باید این را نشان بدهند؛ در عین حال که قدیس‌ساختن از رزمندگان و آنها را متمایز جلوه‌دادن، راه شناخت ماهیت نبرد و عاملان آن را بر مخاطب می‌بندد. این نوعی از آسیب‌هاست که در آثار تألیف و ترجمه مشترک هستند. اغراق و بزرگ‌نمایی و قهرمان‌پروری‌هایی که از رزمندگان، انسان‌هایی ماورایی و بدون خطا و اشتباه بسازد، ارتباط خواننده را با فضای اثر مخدوش می‌سازد.

در دهه اخیر، آثاری در حوزه رمان و خاطره‌نگاری مانند شطرنج با ماشین قیامت و سفر به گرای ۲۷۰ درجه و دا به زبان‌های دیگر ترجمه شدند؛ اما نکته‌ای که باید در این زمینه مدنظر قرار گیرد، این است که در ترجمه آثار، تمرکز صرفاً بر گونه‌های داستانی نباشد؛ بلکه به آثار پژوهشی نیز با وجود کمتربودن توجه شود. این موضوع ازاین‌رو ضروری است که در حوزه تحقیق، با پدیده نادری مواجه هستیم. به این معنا که افراد و مراکز تحقیقاتی خارج از کشور در خصوص دفاع مقدس پژوهش‌هایی انجام داده‌اند که به‌لحاظ کمّی و کیفی بیشتر از تولیدات ترجمه‌شده از زبان فارسی است. این مسأله انتخاب اثر را برای ترجمه در این گونه دشوارتر می‌سازد.

نمایشگاه عکس «۴۴ سال»، راهیابی مستند دختر کوچ به جشنواره مستند ایران، فیلم جدید «آواتار: راه آب» پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینما، تجلیل از اسپایک لی با دریافت جایزه فلوشیب انستیتو فیلم بریتانیا و انتشار کتاب «درآمدی بر فلسفه موسیقی فارابی» اثر سیدمحسن موسوی از جمله اهم اخبار فرهنگ وهنر در فضای مجازی است که با هم می خوانیم.

فضای مجازی

■ **عکس**

خانه عکاسان ایران به مناسبت چهل و چهارمین سالگرد پیروزی نهضت انقلاب اسلامی، نمایشگاه عکس «۴۴ سال»، عکس‌هایی از مهم‌ترین واقعه تاریخ معاصر ایران را از ۱۱ بهمن ۱۴۰۱ در «گالری خانه» حوزه هنری انقلاب اسلامی، افتتاح می کند. این نمایشگاه عکس‌هایی از حضور و زندگی امام خمینی(ره) در کشور فرانسه و اتفاقات ایران را در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ را به نمایش می‌گذارد؛ در این نمایشگاه ۸۳ عکس از ۱۰ عکاس که ۷ نفر از آنها از عکاسان آژانس عکس سیپا فرانسه هستند؛ به روی دیوار می‌رود. همچنین ۱۵ اثر تک نسخه چاپ شده از روی نگاتیوهای مفقود شده مرحوم قربان خلیلی به همراه عکس شاهکار «نزن سرباز» به نمایش گذاشته می‌شود، که روزهای پایانی پیروزی نهضت انقلاب اسلامی در ایران را به تصویر می‌کشد. در این نمایشگاه، عکس‌های قاسم حاج‌محمدی عکاس ایرانی و میشل ستبون عکاس برجسته فرانسوی اتفاقات روزهای ۱۲ آبان تا ۲۲ بهمن ۵۷ را در شهرهای قم و تهران، روایت می‌کنند.

■ **فیلم**

مستند «دخترکوچ» از تولیدات مرکز ایلام به دومین دوره «جشنواره مستند ایران» در فرانسه راه یافت. به گزارش ایسنا، این اثر به کارگردانی روح‌الله اکبری و با پشتیبانی اداره کل تأمین و رسانه بین‌الملل سیما در «جشنواره مستند ایران» به نمایش درمی آید.

«جشنواره مستند ایران» که از ۳ تا ۵ فوریه (۱۶.۱۴ بهمن) در پاریس برگزار می‌شود، با هدف معرفی بهتر مستندهای ایرانی و ارتباط تماشاگران با مستندسازی در ایران شکل گرفته است. «دخترکوچ» به زندگی سوسن رشیدی، دختری از عشایر نگاهی دارد که با وجود مشکلات و موانع، چند دوره قهرمان کیک بوکسینگ ایران می‌شود. این دختر تلاش می‌کند عشایر را راضی کند تا در زیر سیاه چادر برای دخترانشان باشگاه کیک بوکسینگ برقرار کنند، اما اکثر خانواده‌ها مخالفند. گفتنی است «دخترکوچ» آبان ماه امسال در سومین دوره جشنواره مردم‌شناسی اوکو اوکراین موفق به کسب جایزه بهترین فیلم کوتاه شد.

■ **سینمای جهان**

فیلم جدید «آواتار: راه آب» با گذر از «جنگ ستارگان: نیرو برمی‌خیزد» عنوان چهارمین فیلم پرفروش تاریخ سینما را به خود اختصاص داد. به گزارش ایسنا، ساخته جدید «جیمز کامرون» پس از پشت سر گذاشتن فروش ۲.۰۷۱ میلیارد دلاری «جنگ ستارگان: نیرو برمی‌خیزد»، حالا به رتبه چهارمین فیلم پرفروش تمام دوران دست یافته است و به این معنی است که «کامرون» ساخت سه فیلم از چهار فیلم پرفروش تاریخ سینما را برعهده داشته است. هم اکنون قسمت اول «آواتار» محصول سال ۲۰۰۹ با ۲.۹۲ میلیارد دلار در رتبه نخست فروش تاریخ سینما قرار دارد و پس از آن «انتقام جویان: آخر بازی» با ۲.۷۹ میلیارد دلار و «تایتانیک» دیگر ساخته «کامرون» هم با ۲.۱۹۴ میلیارد دلاری رتبه سوم را به خود اختصاص داده است.

اسپایک لی با دریافت جایزه فلوشیب انستیتو فیلم بریتانیا (BFI) تجلیل می‌شود. به گزارش مهر به نقل از اسکرین دیلی، جایزه فلوشیب انستیتو فیلم بریتانیا که بالاترین جایزه آکادمی این کشور است به اسپایک لی فیلمساز و کارگردان امریکایی اعطا می‌شود. این جایزه در یک رویداد ویژه که ۱۳ فوریه در ساوت‌بانک انستیتو فیلم بریتانیا برگزار می‌شود، به لی اهدا می‌شود. در این رویداد همچنین جلسه پرسش و پاسخ با این فیلمساز به میزبانی تیم ریچاردز رئیس انستیتو فیلم بریتانیا و مدیر اجرایی آن بن رابرتز برگزار می‌شود. پس از آن نیز «تابستان سم» فیلمی که اسپایک لی در سال ۱۹۹۹ ساخته به نمایش درمی آید. لی بیش از ۳ دهه است که به صورت حرفه‌ای مشغول فیلمسازی است و «باید آن را داشته باشد» در سال ۱۹۸۶ و «کار درست را انجام بده» در سال ۱۹۸۹ و «کوکلاکس کلن سیاه» یا «بلکک‌کلنزمن» در سال ۲۰۱۸ که برنده اسکار و بفتا شد از جمله آنها هستند.

■ **کتاب**

کتاب «درآمدی بر فلسفه موسیقی فارابی» اثر سیدمحسن موسوی به همت مؤسسه بوستان کتاب در ۱۷۶ صفحه منتشر شد. نوشتار حاضر می‌کوشد اندیشه فارابی را به منزله میراث غنی اندیشه پیشینیان در فلسفه موسیقی بررسی کند، زیرا معلم ثانی هم در حوزه فلسفه و هم در حوزه موسیقی عملی و نظری، جزو سرآمدان جهان اسلام است.

فارابی، در قامت یک فیلسوف و موسیقیدان تراز اول در جهان اسلام، نظریاتی دارد که ضمن پیوند فرهنگی با انسان ایرانی معاصر، می‌تواند پاسخگوی بسیاری از دغدغه‌های فلسفی و به تبع آن بسیاری از دغدغه‌های نظری و عملی موسیقی به نحوه خاص و هنر به نحو آن باشد و به پرسش‌های بنیادین علمی و فلسفی پاسخ‌های جدید بدهد.

فهم موسیقی بماهو موسیقی، منشأ موسیقی از لحاظ فلسفه تاریخ و بررسی تأثیر موسیقی بر مخاطب و نحوه فهم موسیقی، مشغولیت راستین این کتاب است.

این اثر در چهار فصل تألیف شده است؛ در فصل اول به بیان دوم مبحث قوای ادراکی نفس از منظر فارابی و فلسفه موسیقی فارابی پرداخته شده است.